

بمناسبت بیستمین سال وفات علامه حبیبی:

یادداشتها در
تاریخ صنایع افغانستان

نگارش

علامه عبدالحی حبیبی

باهتمام

داکتر حوشحال حبیبی و حبیب الله رفیع

۱۳۸۳

کتابشناسی:

نام کتاب : یادداشتها در تاریخ صنایع افغانستان

نگارش : علامه عبدالحی حبیبي

ناشر : مرکز تحقیقات علامه حبیبي

مهتمم : محمدنبي تدبير

دیزاینر: محمدیوسف "ستانکزی"

جای طبع: مطبعه صنعتی احمد

تاریخ طبع: ۱۳۸۳ هـ ش / ۲۰۰۴ م

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

صفحه	عنوان
یکم	مقدمهء ناشر
۱	بسمه تعالی
۲	خطاطی
۹	مصوری و نقاشی
۱۸	بهزاد و مکتب او
۳۰	اثر مکتب هنری هرات بر فارس
۳۴	مکتب هنری هند
۳۸	تذهیب
۴۱	صحافی و جلد سازی
۴۶	فلز کاری و ترصیع
۴۹	منسوجات
۵۱	قالین بافی
۵۵	ابنیه
۵۸	نجاری

مقدمه

افغانستان کشور باستانیست که زندگیش در سه دوره از هم مختلف مطالعه میشود:

یکی دوره قبل از تاریخ است که انسانهای مغاره نشین در آن زندگی آغاز کرده و از پنجاه هزار سال بدینسو نمونه های صنایع، هنرها و کارهای ابتدایی شان بدست ما رسیده است، آنها در ابتدا از سنگ افزار بسیار ابتدایی کار و شکار را ساخته و وقتیکه احتیاجات اولیه زندگیشان بر آورده شده بعد از آن بر دیوارهای غارهای مسکونی خود رسمهای بسیار ابتدایی را کشیده که در شمال افغانستان در سمجهای خود در پهلوی نقاشیهای دیگر چهره سمارق مانند انسان رانیز کشیده و بهمین ترتیب آهسته، آهسته ظروف و افزار سنگی، گلی و باز برنجی و آهنی را ساخته و صنایع و هنرها را بشکل ابتدایی آن بوجود آورده است.

دوره دوم دوره نیمه تاریخی، افسانوی یا دوره سرودها است، این دوره چنان دوره خاص زندگی افغانستان است که در زندگی دیگر کشورها وجود ندارد، درین دوره خط هنوز ایجاد نشده بود اما در آریانا ریشیان (شاعران) با سرودن اشعار اخلاقی خود راهنمایی مردم رامیکردند و بشکل شفاهی دوره آموزش و پرورش آغاز گردیده بود.

دوره سوم دوره تاریخی کشور است که درین دوره خط ایجاد گردیده بود، شاه مدبر آریانا یم یا جمشید در بلخ پایتخت باستانی کشور، بنیاد تمدنی شگوفان آریایی را گذاشته بود و بعد از آن سپین تمان زردشت دینی را که به شعار پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار بود، بوجود آورد. بعد از آن با آمدن سکندر به آریانا تمدن یونانی باتمدن آریانی خلط گردید و بعد از آن دین بودایی به افغانستان آمد.

در نتیجه این تحولات و وقایع دیگر، صنایع و هنر انکشاف کرد و خصوصاً با آمدن دین بودایی در نقاشی و مجسمه سازی مکتب مستقل هنر گندهارا پا بعرصه وجود گذاشت و در افغانستان هزارها اثر هنری خلق و ابداع گردید.

با آمدن دین مقدس اسلام به افغانستان در جهان هنر و صنایع تجربه های نو صورت گرفت، صنایع ظریف و زیبا رواج یافت خصوصاً فنون و هنرهای خطاطی، تذهیب، نقاشی، میناتور و صحافی پیشرفت چشمگیری کرد و سبکها و مکتبهای مختلف در آن ایجاد گردید.

شاد روان علامه عبدالحی حبیبی که نویسنده مبتکر، مؤرخ بصیر، و عالم علامه بود در تحقیقات عمیق و دقیق علمی و تاریخی خود در باره صنایع و هنر افغانستان پژوهشهای زیادی کرده است که درین راستا از مقاله و رساله گرفته تا کتب ضخیم برشته تحریر در آورده بود.

«هنر عهد تیموریان» اثری از استاد بود به قطع بزرگ و بیش از هزار صفحه که قبلاً نشر شده است و همچنین درین باره در اوقات مختلف مقالات و رساله های زیادی نگاشته است.

درین سلسله در آثار استاد علامه، رساله یی تحت عنوان «یادداشتها در تاریخ صنایع افغانستان» موجود است که در سال ۱۳۴۳ در پنج شمارهء مجلهء آریانا بطور مسلسل نشر شده است. درین رساله در دورهء اسلامی افغانستان در باره هنر ها و صنایع خطاطی، نقاشی، مصوری، تذهیب، صحافی، فلزکاری، منسوجات، قالینبافی، ابنیه و نجاری مطالب تحریر و تحت بررسی گرفته شده است.

همچنین در آثار علامه حبیبی رساله یی قلمی پنبنتو تحت عنوان «په شلمه سدی کې د افغانستان هنر» موجود است که دران خطاطی، نقاشی و رسامی، تیاتر، ساز و آواز و اتن ملی، تعمیرات و ابنیه، البسه و مفروشات، سنگتراشی و حکاکی، مسگری و آهنگری، نجاری، پاپوش سازی، سراجی، کلالی، زرگری معاصر و تشبثات دولتی درینباره را به بررسی میگیرد.

درین رساله علامه حبیبی هنر افغانستان را از سال ۱۲۸۰ تا ۱۳۵۲ شمسی تحت بررسی قرار داده اما سال نگارش آن بعد از ۱۳۵۷ است، بخاطریکه اولین مسودهء این رساله را بر پشت اوراق چاپی یک جنتری سال ۱۳۵۷ تسوید کرده و همچنین در متن آن جایی سال ۱۳۵۹ ذکر است و بدینترتیب این اثر کوچک ولی مؤجز و مهم اواز آخرین آثار زندگی وی محسوب میگردد.

در حقیقت این هردو رساله صنایع و هنر افغانستان را در دوره اسلامی به بررسی میگیرد، اشکال و انواع این صنایع را بما می نمایاند و صنعتگران و هنرمندان این صنایع زیبا را معرفی میدارد.

مرکز تحقیقات علامه حبیبی که وظیفه گرد آوری و طبع آثار وی را دارد، این دو رساله را آماده طبع کرد که پهلوی هم چاپ شود و برای علاقمندان صنایع و هنرهای افغانستان عزیز معلومات مفید و مهمی را ارایه نماید.

ما تلاش داریم تمام کتب و رسایل قلمی و چاپی علامه حبیبی را بشکل جداگانه نشر نماییم و تمام مقالات وی را در مجموعه بیست جلدی بنام "زر مقالې/ هزار مقاله گرد آوریم و همچنین اشعار و افکار او را در رساله های جداگانه چاپ کنیم و هم در باره آثار و زندگی این عالم گرانمایه، تحقیقات، رساله ها و مقاله ها را بدست نشر بسپاریم.

با دادن این مرده گفتار خود را خاتمه می بخشیم و بخوانش این دو اثر ظاهراً کوچک ولی معنماً بزرگ استاد، شما را دعوت میدهم!

با احترام

مرکز تحقیقات علامه حبیبی

۱۳۸۳/۸/۱۷

بسمه تعالی

یکی از موضوع های بسیار مهم و دلچسپی که باید در تاریخ کشور ما با دقت و تحقیق و کنجکاوی فراوان جستجو و فراهم آوری شود معلوماتی است در باره صنایع مختلف که در ادوار سابقه در افغانستان وجود داشته است.

تاریخ صنایع و هنر های نفیس جزو معنا به فرهنگ باستانی ماست و باید تمام نکات و جزویات آنرا فراهم آوریم و در آینده در پایان هر فصل تاریخ اوضاع صنعتی همان دوره را با بسط و تفصیل، مورد بررسی قرار دهیم. نویسنده این سطور در حین مطالعه کتب تاریخی نکات و یادداشتهایی را درین مورد فراهم آورده ام، که کافی و جامع و مانع نیست، ولی برای اینکه ضایع نشود و در آینده بدرد نویسندگان گرامی این رشته بخورد، آنرا به قید قلم می سپارم و ممکن است که در حین ترتیب و تدوین تاریخچه صنعت و هنر سودمند افتد، و هر مبحث آن بموقع خود گذاشته شود.

خطاطی

یکی از صنایع بسیار جالب و زیبای خراسان در دوره اسلامی هنر خوش نویسی است حتی برخی از دانشمندان هنر شناس معتقد اند، توجهی را که این مردم در ترتیب کتابهای خطی داشته اند بی نظیر است و هیچ یک از ملل عالم نتوانسته است پایه آنها برسد.

وقتی انسان یکی از کتب خطی این مردم را بدست میگیرد نمیداند چه قسمت آنرا بیشتر مورد دقت قرار دهد؟ زیرا تزئینات و تذهیب کاری و جاذبه و رنگ آمیزی و زیبایی خط و نقش و نگار جلد آن هر یک در خور دیدن و سحر انگیز است. که بیننده بی اختیار از دیدن تمام این محاسن هنری در شگفت می ماند. (۱)

صنعت خطاطی از اوایل دوره اسلامی در افغانستان رواج داشت، و برسم الخط کوفی که بقول دکتور ولفنسون از رسم الخط نبطی متأخر برآمده بود. (۲) و عربها آن را در قرن هفتم میلادی در افغانستان رواج داده بودند، کتابها و کتیبه های خود را می نوشتند.

قدیمترین کتیبه این رسم الخط در افغانستان تا جایی که اکنون مکشوف و معلوم است در وادی توجی وزیرستان بریک سنگی بدست آمده، که در جمادی الاولی (۲۴۳هـ ۱۸۵۷ م) در باره تعمیر بنایی نوشته شده و نه سطر برسم الخط کوفی و زبان عربی و پنج سطر رسم الخط سره دانا گری Sarada Nagri و زبان سنسکریت دارد، که این سنگ نبشته اکنون در موزه پشاور موجود است (۳) و از ملاحظه آن پدید می آید، که در اواسط قرن سوم هجری در حواشی شرقی افغانستان رسم الخط کوفی توأم با رسم الخط سنسکریت رواج داشت، و نفوذ آداب و رسوم اسلامی و عربی تا کوهسار توجی پهن شده بود.

کتیبه دیگر بهمین رسم الخط کوفی ساده بدون تزئینات بر کنار دریای سند در خرابه های شهر قدیم و یهند که بعد از عقب نشینی کابلشاهیان از فتوحات اسلامی پایتخت ثانی ایشان بود. بر دیوار کهن چاهی در سنه ۱۸۹۴ م پیدا شده و بران بزبان عربی و رسم الخط کوفی چنین نوشته است: "بسم الله الرحمن الرحيم بناهذالبئر ابو جعفر محمد بن عبدالجبار بن محمد الجوزجانی فی ذی القعدة سنه اثنی و ثمانین و اربعمائه" (۴)

این کتیبه که بسال ۴۸۲ هـ ۱۰۹۰ م تعلق دارد نفوذ کامل رسم الخط کوفی را در افغانستان تا کرانه های اباسین بشوت میرساند و اینکه کتیبه از طرف یکنفر فقیه جوزجانی افغانستان نصب شده، بجای خود مهم و دلچسپ است.

قدیمترین کتابهای این رسم الخط که تا کنون بخط مردم خراسان در موزه های اروپا و کتب خانه ها موجود اند عبارتند از کتاب الابنیه عن حقایق الادویه تألیف ابو منصور موفق هروی که در شوال ۴۴۷ هـ (جنوری ۱۰۵۶ م) بخط علی بن احمد طوسی خواهر زاده یا برادر زاده فردوسی خراسانی نوشته شده و نسخهء واحدهء خطی آن در کتب خانهء و یانا است (۵) دیگر جلد ثالث شرح کتاب التعرف لمذهب التصوف است که در حدود (۳۹۰ هـ) زاهد فقیه امام ابو ابراهیم اسمعیل بن محمد مستملی بخاری (متوفی ۴۳۴ هـ) کرده است (۶) این کتاب از مهمترین آثار قدیم زبان فارسی فصیح عصر سامانی است که یک نسخهء خطی قدیم آن با خط بسیار پخته و زیبای کوفی در ۲۴ شوال ۴۷۳ هـ ۱۰۸۰ م نوشته شده و در پشاور پښتونستان در کتب خانهء مولانا فضل صمدانی موجود بود.

دیگر کتاب خطی بهمین رسم الخط کتاب هدایة المتعلمین تألیف ابوبکر ربیع ابن احمد بخاریست، که نسخهء خطی واحدهء آن در اکسفورد انگلستان موجود و نوشتهء (۴۷۸ هـ) است.

از نسخهء خطی کتاب ترجمان البلاغه محمد بن عمر را دو یانی که در سنه ۵۰۷ هـ بخط ارد شیرین دیلمسپار قطبی از شاگردان اسدی طوسی نوشته شده و در کتب خانهء فاتح استانبول موجود است پدید می آید (۷) که رسم الخط کوفی از اوایل دورهء اسلامی تا اواخر دورهء غزنویان و عصر سلجوقیان برای نوشتن کتب استعمال می شد. اما از مقابله قدیمترین نمونهء خط کوفی که تا کنون کشف شده و در حران جبل دروز بر سنگی

بالای کلیسای بزبان عربی و یونانی نقش و متعلق به سال ۵۶۸م است، و بعد از آن بر کتیبه قبری در مصر همین رسم الخط مربوط بسال ۳۱هـ موجود است. (۸) معلوم می شود که خط کوفی اوایل خیلی ساده و بسیط و نازیب و حروف آن خیلی فراخ و کم ارتفاع بود. ولی بمرور زمان ذوق مردم خراسان آنرا پروراند تا که در اوایل قرن پنجم هجری کشیده و زیبا شده و در دوره سلجوقی خط کوفی بر دقت و زیبایی خود افزود (۹) تا که خط نسخ از آن بوجود آمده و بعد از آن در قرن هفتم به تعلیق تحول کرد و از مجموعهء نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بمیان آمد، که رقت و شیوایی و سهولت و نرمی و ارتجالی را در آن مشاهده میکنیم (۱۰) اختراع خط نستعلیق منسوب به قیلة الکتاب میر علی از درباریان تیموریه خراسان است یک نسخهء خطی همای و همایون خواجوی کرمانی بتاریخ ۷۹۹هـ (۱۳۹۷ م) بقلم او نوشته شده و در موزه برتانیاست. (۱۱) مکتب نستعلیق نویسی در خراسان و هرات در سایه هنر پروری تیموریان در عصر رنسانس هنری هرات باوج کمال رسید. عبدالله پسر میر علی کار پدر را تکمیل کرد و از دو نفر شاگردان میر علی، مولانا جعفر ریاست دبیر خانهء بایسنقر میرزا را در هرات داشته و چهل نفر خوشنویس، زیر دست او بودند.

جعفر بایسنقری دراکادیمی هرات نفیس ترین کتب دنیا یعنی نسخهء شهنامه^۱ فردوسی را در سنه ۸۲۳هـ (۱۴۲۰ م) نوشته (موزه گلستان تهران) که بجایش شرح داده خواهد شد. همچنین نسخهء خطی گلستان سعدی را

همین جعفر در هرات بسال ۸۳۰ هـ (۱۴۲۶م) برای شهزاده بایسنقر نوشت که بهترین کتابهای خطی کلکسیون چستر بیٹی لندن شمرده میشود، و علامت کتابخانه بایسنقر میرزا را دارد.

عده زیاد نسخ خطی عالی مکتب هرات متعلق بدوره شاهرخ اند. یک نسخه عالی خمسه نظامی که در مجموعه لویی کارتی در پاریس موجود است مهور به مهر شاهرخ است. (۱۲) اما شاگرد دیگر میر علی، مولانا اظهر (متوفی ۸۸۰ هـ ۱۴۷۵ م) هنرمند جهانگردی بود، که خط نستعلیق را از هرات تایت المقدس نشر داد، و یک شاگردش سلطان علی از ۸۷۵ تا ۹۱۲ هـ در هرات بدربار سلطان حسین بایقرا بسر می برد، که دیوان وزیر هرات میرعلی شیر نوایی را در ۹۰۵ هـ ۱۴۹۹ م نوشت و بخط همین استاد، نسخه گوی و چوگان عارفی بین سنوات ۸۷۰-۸۸۰ م در هرات نوشته شد که اکنون به نمره ۱۸۱۰ در کتابخانه فاتح در استانبول موجود است.

یکی از آثار آتزمان که مصدر الهام برای هنرمندان این مکتب بوده، دیوان شاعر معروف حضرت جامی است (۸۱۷-۸۹۸ هـ ۱۴۱۴-۱۴۹۲ م) در موزه متروپولیتن نسخه یی ازین دیوان موجود است که بین سالهای ۸۶۸-۸۸۴ هـ در زمان حیات جامی بوسیله خطاط معروف عبدالکریم خوارزمی نوشته شده و از لحاظ سبک خط شباهت زیادی به نسخه یی ازان دیوان دارد، که در سال (۸۶۸ هـ ۱۴۶۳ م) توسط عبدالرحیم برادرش استنساخ شده، این هر دو خطاط زبردست شیوه خط نستعلیق را تغییر

دادند، و فرزندان عبدالرحمن خوشنویس معروف بودند. (۱۳) خطاطان معروف و هنرمندان دیگر در اکادمی هرات عبدالکریم ولد عبدالرحمن خوارزمی، و ابراهیم بن شاهرخ بن تیمور و خود بایسنقر میرزا است، که درین دوره بعد از پیشرفت خط نستعلیق دو نوع خط دیگر یعنی خط دیوانی و دشتی نیز بوجود آمده است. (۱۴)

هنر خطاطی در افغانستان دوره ارتقای خود را تکمیل کرد، و در قرن نوزدهم دو مکتب خاص دران موجود بود. اول مکتب میرعبدالرحمن هرّوی که در اواخر عصر سقوط سدوزائیان میزیست و در نستعلیق نویسی آیتی بود و همین مکتب را تا کنون برخی از شاگردان این دبستان تعقیب می نمایند، که یکی از ایشان دانشمند فیضی کابلی است و درین اواخر مناجات حضرت خواجه عبدالله انصاری را بهمین اسلوب نوشته و عکاسی شده است و پیش ازین مرحوم میرزا محمد یعقوب از خطاطان معروف این مدرسه بود.

مکتب معروف دیگر نستعلیق دبستان سید عطا محمد شاه قندهاریست که فرزندش سید عثمان آقا و دو نفر شاگردش سید داؤد الحسینی و سید ایشان آقا تا کنون چشم و چراغ این محفل اند، و این هنرمندان رویه میر عماد معروف را پیروی نمایند.

علاوه برین دبستان خط شکسته نیز در چند قرن اخیر موجود بوده و نمونه های خوبی ازین اسلوب بخط مرحوم سردار غلام محمد خان طرزی

افغان دیده شده و درین وقت بناغلی عزیزالدین پوپلزی در انواع خطوط هنرنمایی دارد.

مآخذ:

- (۱) صنایع ایران بعد از اسلام از دکتور زکی محمد حسن مصری، ص ۶۴ ترجمه و طبع تهران ۱۳۲۰.
- (۲) تاریخ اللغات السامیه طبع مصر.
- (۳) مجلهء اپیگرافیا اندیا اسلامیکا ۱۹۲۶ م.
- (۴) هیند بک آف پشاور موزیم ص ۹ و ۱۰.
- (۵) تاریخ ایران از براون ج ۱ ص ۶۹۲.
- (۶) کشف الظنون ۴۱۹.
- (۷) رجوع بطبع عکسی احمد آتش از استانبول ۱۹۴۹.
- (۸) تاریخ اللغات السامیه طبع مصر.
- (۹) مهم ترین آثار این ادوار افغانستان در رسم الخط کوفی کتیبهء قبر سلطان محمود در غزنه ۴۲۱ هـ و کتیبهء بنای مرقده حضرت امام یحیی بن زید مقتول ۱۲۵ هـ در سرپل (جوزجان) است که تاریخ ندارد.
- (۱۰) دکتور زکی حسن در کتاب تاریخ صنایع بحواله سروی آف پرشن آرت ۱۲/ ۱۷۳۲.
- (۱۱) راهنمای صنایع اسلامی اردیمانند ترجمه فارسی طبع تهران ۱۳۲۶.
- (۱۲) راهنمای صنایع اسلامی ۵۵.
- (۱۳) راهنمای صنایع اسلامی ۵۷.
- (۱۴) زکی محمد حسن در صنایع ایران ص ۷۰.

مصوری و نقاشی

از آثار مانوی که در تورفان کشف شده و نیز از عنعنۀ قدیمی که در ادب و کلتور ممالک آسیای وسطی موجود است فهمیده می شود، که مصوری و نقاشی در خراسان از عصور قبل از اسلام رواج داشته و در افغانستان از امتزاج هنر بودایی و یونانی، سبک هنری گریکوبودیک در مدارس گندهارا بوجود آمده بود، که در عصر کوشانیان این هنر در افغانستان صبغۀ خاص محلی را یافته بود.

مصوری و مجسمه سازی گندهارا در ادب و آرت دوره اسلامی آنقدر نفوذ نمود، که شعرای قدیم فارسی بت قندهار و نقش قندهار را سمبول حسن و جمال قرار دادند. سنائی غزنوی گفت:

صانعی باید حکیم و قادر و قایم بدات تا پدید آید ز صنع وی بتان قندهار(۱)
حتی گاهی تنها کلمۀ قندهار سمبول زیبایی و جمال بود، ناصر خسرو علوی گفت:

سوی شاخ بادام شو بامداد اگر دید خواهر همر قندهار (۲)

در دوره اسلامی در افغانستان فن نقاشی و مصوری را از عهد سامانیان بلخی سراغ داریم، بدین معنی که در قرن چهارم هجری نصر بن احمد سامانی نسخه‌ای ترجمه شده کلیله و دمنه را بوسیله نقاشان چینی مصور نموده بود و نقاشی روی دیوارهای کاخها نیز از همین دوره مرسوم بود، که استاد معروف هرتسفلد در سیستان نمونه‌هایی از آن یافته است. (۳) و هنگامیکه آثار لشکرگاه غزنویان در بست کنار هلمند کشف شد، و بر دیوارهای آن تصاویر غلامان محمودی دیده می‌شود، از ملاحظه آن به یقین می‌پیوندد، که هنر مصوری در آن عهد چه مراحل را می‌پیمود و علاوه برین از روایت ابو الفضل بیهقی میدانیم، که شهزاده مسعود فرزند سلطان محمود در باغ عدنانی هرات عیش‌خانه‌یی داشت که دیوارهای آنرا به نقوش و تصاویر گوناگون آراسته بودند. (۴) اما نقاشی‌های دیواری که در دوره ساسانی مرسوم بوده است در دوره اسلامی استعمال آن منحصر بدیوارهای حمامها و تالارها و سالن‌های خصوصی شده و در دوره اسلامی مکتب‌های مصوری سلجوقی و مغولی و تیموری و صفوی معروف است که منبع و پرورشگاه تمام این مکاتب هنری باز خراسان بوده و در خاکهای پارس و عراق و تورکیه پرورده شده است. (۵)

یک نسخه شاهنامه فعلاً در موزه طوپقاپوسرای استانبول هست که در سال ۷۱۳ هـ ۱۳۳۱ م نوشته شده، ولی صور و نقوش این نسخه برزخ میان

صورت‌های مکاتب سابق و لاحق بوده و بازگشت زمینه قرمز رنگ سلجوقی و سادگی و عدم تصنع در رسوم اشخاص آن دیده می‌شود، که تأثیر روش مغولی در آرایش لباس و مناظر کوهستانی گل و بوته آن نیز مشهود است. (۶)

از بهترین صور نقاشی شده سبک مغولی افغانستان در حدود بعد از قرن ششم هجری مرقعی است از کلیله و دمنه که بعداً برای شاه طهماسب اول صفوی فراهم آوری شده و اکنون در کتابخانه پوهنتون استانبول موجود است.

در کشیدن صورت اشخاص این مجموعه دقت و مهارتی دیده می‌شود و نقاش از روشهای چینی عناصری را در آن اقتباس کرده، که در مناظر طبیعی آن بنظر می‌آید و در مراعات حالت طبیعی و اتقان اشکال آدمی و حیوانی بحدی موفق است که هنرمندان و نقاشان تبریز هم بآن پایه نرسیده‌اند. بهر حال یک روحانیت و حالت طبیعی در این مجموعه مشهود است که بما اجازه میدهد آنرا از صنایع هرات که در نیمه قرن هشتم صنایع و فنون دران بر اثر پایتخت بودن سلاطین کورت رونق یافته بود، بدانیم. اما این صور و اشکال خالی از یک روح هندی نیست و شاید دلیل این باشد که سلاطین کورت منسوب به غوریان اند، که در سالهای (۵۴۳-۶۱۲ هـ / ۱۱۴۸-۱۲۱۵ م) بر افغانستان و هند حکومت کرده‌اند و این رابطه و نسبت که بین دو سلسله بوده است در فنون هنر هرات تأثیر داشته است. (۷)

این رأی مؤلف صنایع اسلام قرین بصواب است زیرا از ملاحظه تاریخ سیفی هروی که از مؤرخان دربار آل کورت هرات است بخوبی میدانیم که شاهان آل کورت تا درهء بولان و حدود سر زمین سند حکمرانی داشتند و شاید آثار هنری هندی را بدربار خویش در اثر تماس با مردم سند به هرات انتقال داده باشند.

در سال ۷۷۱ هـ ۱۳۷۰ م سمرقند پایتخت تیمور شد، وی مشهور ترین هنرمندان را در آن شهر فراهم آورد اما تابلوهای نقاشی که بشهر سمرقند منصوب اند خیلی کمیابند و بهمین جهت شاید ممکن نباشد آثار فنی زیادی بآن نسبت داد، فقط میتوان اشکال منقول از نمونه های چینی و بعضی اشکال دیگر را که روشهای چینی در آن تاثیر کرده و مشتمل بر رسوم و اشکال حیوانات حقیقی و خرافی و بعضی کتابهای خطی علوم فلکی را منسوب بآن شهر دانست. (۸)

شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ هـ) = ۱۴۰۴-۱۴۴۷ م پسر و جانشین تیمور هرات را مقرر حکومت خود قرار داد، وی عدهء زیادی از هنرمندان را برای استنساخ و مصور ساختن کتب جهت کتابخانهء خود استخدام کرد، که در بین آنها خلیل نقاش را میتوان نام برد، که در آن زمان یکی از عجایب اربعه و تالی مانی بشمار میرفت. (۹)

بایسنقر میرزا (متوفی ۱۴۳۳ م) پسر شاهرخ یک کتابخانه و مدرسهء فنون کتابت تأسیس کرد، که در آن چهل هنرمند از قبیل نقاش و خوش نویس و صحاف کار میکردند، و در رأس آنها جعفر بایسنقری خطاط

مشهور بود، از : مله نقاشان امیر شاهی سبزواری و غیاث الدین را میتوان نام برد، غیاث الدین جزویک هیئت سیاسی از طرف شاهرخ به چین فرستاده شد. (۱۰)

چون روابط محکم بین دربار هرات و خاندان شاهان منگ چین (۷۷۰-۱۰۵۴م) موجود بود و سفرای جانبین بدربار های یکدیگر فرستاده می شدند، بنابراین تأثیر هنر چینی در مکتب فنی هرات نمایان است که از آن جمله تزئین جلد های کتب به رسوم حیوانات خرافی چینی است. (۱۱)

اگر چه نقاشان دربار بمصور ساختن شاهنامه ادامه میدادند، اما موضوعی که بیشتر توجه آنها را جلب میکرد، اشعار عاشقانه و تصوفی بود، که برای نقاشی این اشعار مکتب هرات سبک جدیدی ابداع کرد، که متناسب با معنی و مفهوم اشعار غنایی و عاشقانه باشد.

معمولاً اشکال انسان درین تصاویر ظریف و کوچک ترسیم شده و منظره آن کاملاً محیطی و تزئینی و دارای افق بلند و جبال اسفنجی است، رنگ آمیزی این تصاویر روشن و هم آهنگ است و با مقایسه با نقاشی دوره اولیه مغول، رنگهای جدید بآن اضافه شده است.

ایجاد این سبک خاص در نقاشی که بتدریج نفوذ های خارجی دران مستهلک گردید مرهون مکتب نقاشی هراتست بدین تفصیل:

در عصر شاهرخ فن نقاشی مرحله اقتباس و فراگرفتن از فنون اجنبی را پیمود، و بدوره جوانی خود رسید، و توانست چیز هائی را که از دیگران گرفته است در خود تحلیل کرده و جزء لایتجزای خود سازد. در صور و

اشکالی که در اواخر قرن ۸ هـ (۱۴م) کشیده شده میتوان مهمترین وسایل تزئینات سبکهای فنی را دید، و همین وسایل در قرن بعد از بزرگترین ممیزات نقاشی مکتب هرات گردید. که مهمترین خصایص آن همان مناظر زیبای گلها و گلزارها و مناظر بهاری و پس از آن رنگهای درخشان و زیبایی است که هیچگاه خروج از رنگی بدیگری وحدت و استقلال آنها را متزلزل نمیکند و از ممیزات دیگر این مکتب مناظر طبیعی و کوه و تپه هایست که بشکل اسفنج کشیده شده و علاوه برین نقاشان این دوره توانسته اند میان اشخاص و ساختمانها یا سایر مناظری را که می کشد نسبت های مقبول و معقولی را قایل شوند، و تطور فنی مکتب هرات خیلی واضح تر و آشکار تر است. و از آثار مهم این دوره مجموعه اشعار است بقلم مرتضی حسینی (قسمت اسلامی موزه دولتی المان در برلین) که در سنه ۸۲۳ هـ ۱۴۲۰ م برای کتابخانه بایسنقر شاهزاده تیموری نوشته شده است. و امتیاز این نسخه در این است که نقاش توانسته است، صورت اشخاص را آنقدر که ممکن بود کم کند و در رنگ آمیزی و کشیدن کوه و تپه مهارت نشان دهد. نقاشان این دوره از سبکهای فنون چینی اقتباس کرده و هضم کرده اند و یک سبک مستقل و قوی را که نماینده روح فنی عصر بود بوجود آوردند. (۱۲)

میناتورهای کتب عصر تیموری از حیث سبک یکدیگر شباهت دارند و به شیوه میناتور سازی که چندی بعد در هرات ظاهر شد، خیلی شباهت دارند.

خصایص این قسم مینیاتور عبارتست از کوه هایی در فواصل معین با سبزه پوشیده، افق بلند و رنگهای جدید به الوان گوناگون.

در تحت نظر این هنرمندان هرات و بدست آنان عصر طلایی مینیاتور سازی ظاهر گردیده نقاشی ها و تصاویری که این صنعتگران کشیده اند به مقیاس کوچک است، و در ساختن آن دقت زیاد کرده اند، و مخصوصاً به ریزه کاری خیلی اهمیت داده اند. این مینیاتور ها تأثیر آرایشی فراوان دارند و رنگهای جدیدی که در آن استعمال شده، لطیف و خوش منظر است، درین مینیاتور ها فاصله هایی بین تصاویر، بطرز تازه بی نشان داده می شود. چونکه تصاویر در چند سطح کشیده شده اند، تا اینکه دوری و نزدیکی نسبت بیکدیگر را بنمایند، طبقات نازک صخره و کوه هایی که بافق منتهی میشود، بانواع رنگهای قشنگ ساخته شده. درختان گل و گیاه و جزئیات آن با دقت کشیده و نمایش داده شده است. آسمان بالای افق اغلب طلائی رنگست. و برای نشان دادن ابرپیچ نازکی بسبک چین کشیده شده آسمان شب را با رنگ سرمه ئی و ماه و ستارگان را با رنگ طلائی جلوه داده اند. و چنانچه گفتیم نقاشان به مصور ساختن و مینیاتور کاری شاهنامه فردوسی ادامه میدادند، ولی درین زمان آثار شعرای بزمی، وسیله و صحنه جدیدی برای ابراز این صنعت بوده، کتب سعدی و نظامی را استنساخ کرده و با مینیاتور های عالی آرایش کرده اند. و این آثار مانند عکاسی نیست، بلکه بیشتر جنبه آرایش و زینت دارد، و هیچگاه سعی نشده است

منظره یی را نشان بدهند که بعینها همان باشد، که بچشم یا دور بین عکاسی میآید. و قوهء مخیله و تصور در آرایش آن میدان وسیعی دارد. (۱۳)

تکنیک دقیق و طرز نشان دادن منظره و کوچکی اشکال از خصایص مکتب هرات در نیمهء اول قرن (۱۵ م) است. (۱۴)

از قدیمترین کتب خطی منسوب بمکتب هرات کتاب کلیله و دمنه (کاخ گلستان تهران) است، که در اتقان تصویر طبیعت و آثار آن و هضم و تحلیل عناصر چینی ممتاز است. و نسخهء خطی گلستان سعدی ۸۳۹ هـ (۱۴۲۶ م) که برای بایسنقر نوشته شده و دارای ۸ تصویر بدیع و زیباست، تمام ممیزات و محسنات فنی مکتب هرات را دارد. (۱۵)

در موزهء هنرهای زیبای پاریس تابلوی ملاقات همای و همایون در باغ های کاخ شاهی چین از شهکارهای نقاشی مکتب هرات است، که سراسر آن ابداع مقرون بزبیبی و وفق دادن بین اجزاء و قدرت کامل بر تعبیر عواطف و افکار بوده و جنبهء اشرافی و بزرگی اشخاص بخوبی دران آشکارست، رنگ آمیزی عجیب و گلهای زیبائی که دران کشیده شده جذبهء خاص بدان میدهد.

علاوه برین تابلو، صورت مستقل دیگری نیز روی پارچهء ابریشمی طبق روش چینی در مکتب هرات کشیده شده و تصور میرود که از آثار همان غیاث الدین نقاش باشد، که در سالهای ۸۲۳-۸۲۷ هـ جزء هیئت اعزامی شاهرخ به چین بود. این آثار نفیس در موزه های نیویارک و بوستن و

مجموعه کونتس دوبهاک موجودند که اجتماع سبکهای چینی و هراتی را در کمال مهارت و خوبی نمایندگی می کنند.

اما مکتب فنی هرات از نیمه قرن نهم هجری (۱۵ م) در پیوند صور و اشکال و رنگ آمیزی آنها یک تشخیص قوی و مستقلی را تشکیل داد، که نسخه انجمن آسیایی لندن، نوشته شده برای محمد جوکی بن شاهرخ در حدود ۸۴۰ هـ نماینده آنست، و همچنین دیوان اشعار سلطان حسین میرزا (متوفی ۸۹۰ م) در مناظر طبیعی و تصاویر ابنیه و سیما و چهره مغولی اشخاص و تناسب رنگها از پیشرفت فنی هنرمندان مکتب هرات حکایه میکند. (۱۶)

ماخذ:

- (۱) دیوان سنایی ص ۱۴۱ بحواله مضمون نویسنده این سطور در مجله آریانا حوت ۱۳۴۰.
- (۲) دیوان ناصر خسرو، ص ۲۰۰.
- (۳) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۸۸
- (۴) تاریخ بیهقی ۱۳۰.
- (۵) صنایع ایران ص ۸۸
- (۶) همین کتاب ص ۹۵.
- (۷) صنایع ایران ص ۹۶.
- (۸) صنایع ایران ص ۹۹.
- (۹) راهنمای صنایع اسلامی ۵۴.
- (۱۰) همین کتاب ۵۴.
- (۱۱) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۰۴.
- (۱۲) صنایع ایران ۱۰۲.
- (۱۳) صنایع ایران ۱۷۰.
- (۱۴) راهنمای صنایع اسلامی ۵۶.
- (۱۵) صنایع ایران ۱۰۵.
- (۱۶) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۰۸.

بهزاد و مکتب او

بزرگترین نقاشان دوره اسلامی، کمال الدین بهزاد در سنه ۸۵۴ هـ ۱۴۵۰ م در شهر هرات بدینا آمد (متوفی ۹۴۴ هـ ۱۵۳۷ م؟) وی شاگرد سیداحمد نقاش است که در دربار سلطان حسین میرزا تا ۹۱۶ هـ میزیست و بعد از آن بدربار صفویان پارس رفت و در سنه ۹۲۸ هـ ۱۵۲۲ م بموجب فرمان شاه اسمعیل صفوی مدیر کتابخانه سلطنتی و انجمن فنون کتاب نویسی و ریاست تمام هنرمندان نایل آمد. (۱)

بابر بهزاد را بزرگترین تمام نقاشان گفته و مؤرخین دیگر نوشته اند که استادی و مهارتش نام سایر نقاشان را محو کرده و یک مو از قلم او به جملات زندگانی بخشیده. وی اولین نقاش دوره اسلامی است که ملزم با مضای آثار فنی خود شده و بر اثر علوم مقام و منزلتی که داشته توانست که بر تمام خطاطان و نقاشان پیشی گیرد. وی در رنگ آمیزی و مزج

رنگها و دانستن خواص و ترکیب آن و در تعبیر حالات مختلفه نفسانی مهارت داشت و مخصوصاً در کشیدن اشکال ابنیه و مناظر طبیعی بحد اعجاز رسیده است. در تصاویر وی آرامش و خوش سلیقگی و ابداع و مهارت موجود است و در ترکیب و تزئین آن و انسجام رنگها کمال نقاشی مکتب تیموری را بروز داده است و مدققین رأی دارند که در تصاویر بهزاد مقدار زیادی از عنصر حب الهی و مقام روحانیت و قدوسیت دیده می شود. و شاید این جنبه در اسلوب نقاشی بهزاد برای این باشد که مشرب تصوف مقارن تولد بهزاد و دوره کودکی او ❁ اوج عظمت خود رسیده بود. (۲)

مینیاتور های زیادی موجود است که به بهزاد نسبت داده شده ولی تقریباً همه آنها مورد تردید بعضی از اهل بصیرت است. نقاشان عصر تیموریان قبل از بهزاد کار هایی انجام داده اند که اگر کاملاً پبای کار های بهزاد نرسند، نزدیک به آن می باشد یکی از نقاشان عصر بهزاد و همکار او قاسم علی بود، گرچه شهرت بهزاد را نداشت، اما کار هایش پبایه کار های وی میرسد. دو نفر از شاگردان بهزاد شیخ زاده خراسانی و آقا میرک تبریزی تقریباً بهمان درجه استادی بهزاد رسیده اند. میتوان تصور کرد که بسیاری از نقاشی ها را خود استاد طرح ریزی کرده و شاگردانش آنها را تمام و تکمیل کرده اند.

مینیاتور دولابی ازان دوره، که اکنون بدولت ایران تعلق دارد دارای منظره باغ و تصاویر متعدد است در گوشه راست در سمت پایین تصویر

دو نفر زن است که کتابی کوچک در دست دارند، و روی آن کتاب بخط بسیار ریز نوشته شده ((تصویر سلطان حسین میرزا، عمل بهزاد)) مینیاتور ناتمام دیگری که تقریباً مثنای کامل منظره قسمت چپ آن مینیاتور دولابی میباشد، در یک مجموعه شخصی است.

در مجموعه نفیس کورکیان در نیویارک صفحاتی هست که در یکی ازان تصویر مدوریست که پیر زن و جوانی را در دامنه کوهی در کنار رودی نشان میدهد و امضای بهزاد را دارا می باشد. (۳)

هکذا تصویر شاه طهماسب صفوی بالای درخت دارای امضای (پیرغلام بهزاد) که در موزه لور است، ازوست (۴)

کتاب هفت پیکر نظامی موزه متروپولیتن نیویارک که محتوی صور و اشکال بسیار بدیع و زیبا و مناظر ممتاز شکار و منسوب به بهزاد است. با دو تصویر نسخه خطی خمسه نظامی تحریر ۹۰۰ ه منسوب به روح الله میرک نقاش استاد بهزاد از آثار برجسته مکتب هرات اند. (۵)

خصایص مهم سبک بهزاد:

کسانیکه در شناسایی آثار هنری ذوق و بهره یی دارند سبک هنر بهزاد را چنین ستوده اند، که وی اعجوبه روزگار و استاد عصر بود نه برای اینکه سبک جدیدی را در مینیاتور ایجاد نمود، بلکه بواسطه اینکه او صنعت را در کلیه جزئیات بمنتهی درجه کامل کرد. و در آثار هنری او خصایص ذیل نمایانست:

- ۱- درستی و دقت کامل در خطوط تصاویر.
 - ۲- نمایاندن وضع چهره و قیافه اشخاص بطور شگفت انگیز بوسیله ترکیب انواع رنگها.
 - ۳- حرکت و مفهوم بودن اشارات تصویر.
 - ۴- ظرافت در کشیدن درختها، گلها و دورنماها و نیز در نمایش اشعه خورشید و ابر.
 - ۵- شماره رنگهای گوناگون و توافق آنها با یکدیگر، برنگهای (سرد) مانند سرمه‌یی، سبز، فیروزه‌یی، زیتونی، زرد و قهوه‌یی بیشتر توجه شده، طلا و نقره نیز بکار رفته و اقسام مختلف قرمزاستعمال شده. (۶)
- مثلاً تصاویر خمسه نظامی رنگ آمیزی سرد دارد، و آبی و خاکستری و سبز بیشتر بکار رفته است. یک مینیاتور بسیار زیبا و جالب توجهی که با همین صفات جنگ شتران را نشان میدهد و در تصرف دولت ایران است، میگویند بهزاد بعمر هفتاد سالگی آنرا ساخته است. همچنین مینیاتورهای بوستان کتابخانه مصر، هنر بهزاد را در اوج کمال نشان میدهد. این تصاویر از لحاظ ترکیب و حقیقت بینی از شاهکارهای هنر نقاشی محسوب می‌شوند و تصاویر اشخاص، حرکت و شخصیت خاص افراد را ظاهر می‌سازند.

نسخه خمسه نظامی مؤرخ (۸۴۶ هـ - ۱۴۴۲ م) در موزه برتانیاست

و سه مینیاتور آن بعد از اتمام کتاب یعنی در سال (۸۹۸ هـ/۱۴۹۳ م) کشیده شده که امضای بهزاد را دارد.

اما بوستان کتابخانهء مصر دارای شش تصویر مؤرخ (۸۹۳ هـ/۱۴۸۸ م) است که چهار از آن امضای بهزاد را دارد (۷)

این نسخه را سلطان علی خطاط در سال ۸۹۳ هـ برای سلطان حسین بایقرا در شهر هرات نوشت و بهزاد متعهد نقاشی آن بود، که در تصاویر آن استادی کاملی را در ترکیب رنگها و حفظ نسبت تقسیم اشخاص در صورت و دقت در کشیدن اشکال نباتی و مهندسی بسیار دقیق بخرج داده است. در سه تصویر بخط بسیار باریک در جایی که دیدن آن خیلی مشکل است نام خود را نوشته، اما امضای چهارم در تصویر است که مباحثه وجدال عده یی از فقها را در مسجدی نمایش میدهد. درین مسجد طاق بسیار زیبایی هست که حاشیه آن دارای سیزده منطقه است و در منطقهء اخیر نام بهزاد و تاریخ ۸۹۴ هـ دیده می شود و ثابت می آید که کشیدن این تصویر کاملاً یکسال بعد از نوشته کتاب بوده است.

این تصویر تفوق و استادی بهزاد را در کشیدن صورت اسپ و نمایش دادن زندگانی روستایی و مناظر طبیعی نشان میدهد و در اول کتاب تصویر سلطان حسین میرزا را در مجلس جشن و مهمانی کشیده است. (۸) همچنین شش مینیاتور در صفحه یی ظفر نامهء تیموری در بالتیمور موجود است که در حاشیه آن تصاویر شاه جهانگیر آنرا کار بهزاد نوشته

است. این کتب توسط خطاط مشهور شیر علی در سال (۸۷۲ هـ ۱۴۶۷ م) برای سلطان حسین میرزا نوشته شده و سبک نقاشی بهزاد در آن بنظر می آید. هکذا در موزه متروپولیتن یک صفحه نقاشی از دیوان جامی موجود است که درویشان را در حال رقص نشان میدهد. این نقاشی را میتوان به بهزاد نسبت داد زیرا این پرده شایسته قلم بهزاد است و همه خصایص کار های این استاد را دارد اگرچه عده زیاد هنر مندان هرات در عصر صفوی بدربار تبریز منتقل شدند، ولی بعضی از آنها در هرات مانده، آن سبک مخصوص را ادامه دادند، بسیاری از مینیاتور های عالی هرات پس از رفتن بهزاد ساخته شده است.

این هنرمندان به ریزه کاری که از خصایص سبک دوره تیموریست اهمیت زیاد میدادند. چنین توجه به جزئیات اشیاء مانند قالی، اطاق، لباس و تزئینات معماری، نقاشی های هرات را بزرگترین مینیاتور ها قرار میدهد و ثابت میکند که بهزاد تنها نقاش بزرگ هرات نبوده و رقابیی نیز داشته است. (۹)

یکی از آثار مهم مکتب هرات کتاب کلیله و دمنه مربوط موزه گلستان تهران است، که از حیث زیبایی تصاویر و مینیاتور بی نظیر است. و دیگر نسخهء معراج نامهء کتب خانه ملی پاریس است، که بسال (۸۴۰ هـ ۱۴۳۶ م) در هرات نوشته شده و نظیر آن دو تصویر مهم موزه متروپولیتن است، که متعلق بیک نسخهء شاهنامهء مکتب هرات بود و از آن جمله تصویر است که رستم را در حال گرفتن اسپ معروف خود رخش نشان

میدهد. لباس زیبا و رنگارنگ رستم و شخص همراه او بر زیبایی و ترکیب تصویر می افزاید. در حالیکه منظره طبیعی با درختان و دو قاز در حین پرواز سبک چینی را نمایندگی می کند. (۱۰)

قاسم علی هروی:

از نقاشان زبردست مکتب هرات در قرن نهم هجری (۱۵م) است که آثار فنی وی با استاد بهزاد شبیه است حتی که غالب مؤرخین فنون اسلامی آثارش را با کار بهزاد اشتباه کرده اند، نمونه های نقاشی قاسم علی در خمسه نظامی تحریر ۹۰۰ هـ ۱۴۹۴ م موزه بریتانیاست، که از ملاحظه آن تأثیر سبک بهزاد بکمال و تمام نمایان است. قاسم علی در موضوعاتی که میکشد و در اسلوب نقاشی وسایل تزئین تابلو های خود عموماً از بهزاد پیروی میکند. اما با وجود آنهم در بکار بردن رنگها و تمیز دادن سیما و چهره اشخاص و تعبیر از احساسات و عواطف پایه استاد خود نمیرسد. (۱۱)

در کتابخانه بودلی آکسفورد کتاب خطی تحریر شده در ۸۹۰ هـ ۱۴۸۵ م منسوب به قاسم علی موجود است که بهترین و زیبا ترین آن تصویر جماعت صوفیه در باغچه سبز و خرمی می باشد. (۱۲)

همچنین قاسم علی تصویر بهزاد را که در کتب خانه پوهنتون استانبول است کشیده است و از لباسهای بهزاد مفهوم می شود که این تصویر را بعد از انتقال او از هرات به تبریز کشیده باشد. (۱۳)

دنبالهء مکتب بهزاد در فارس و هند و بخارا:

در اوایل سلطنت شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ هـ ۱۵۲۴ م) بهزاد زنده بود و آقا میرک از شاگردان بهزاد، از دوستان نزدیک شاه بود، یکی از شاگردان او که سلطان محمد نام داشت، بمقام نقاشی دربار رسید و پیشوای عده یی از نقاشان معروف بود. سلطان محمد بشاه جوان درس نقاشی میداد.

در سنه (۹۳۳ هـ) یک نسخه شاهنامه برای شاه طهماسب تهیه گردید، که (۲۵۶) تصویر دارد، او اکنون در تصرف بارون ادوارد روتشیلد Baron Edouard Rothschild در پاریس است، که نقاشی های آنرا از سلطان محمد میدانند.

کار های این استاد از حیث تنوع، رنگ آمیزی، نقشهء ترکیب و نیز برای توجه مخصوص به ریزه کاری مشهور است، یکی از معروفترین مجموعهء نقاشی این مکتب نسخهء مصور خمسهء نظامی موزه بریتانیاست. که تصاویر آن بوسیلهء نقاشان مشهور که نام اشخاص ذیل زیر مینیاتور های آن دیده می شود، ساخته شده: آقا میرک، سلطان محمد، میرزا علی، مولانا مظفر علی، میرسید علی.

علاوه بر تصاویر (۳۹۶) ورق این کتاب دارای حاشیهء تزئین شدهء بسیار عالی از طلا می باشد، که نقش آن اشکال حیوانات و گل و غیره است.

در میان این گروه شاگردان مکتب بهزاد، میرسید علی مقامی بلند دارد که در تجسم مناظر طبیعت و زندگی دهقانی ید طولی داشت. حیوانات را

خيلي شبيه كشيده، چادر را بطرز زيبايي تزئين كرده و دست هنرمند وي در اشكال گل و پرنده و اشياي دقيق ديگر مشهور است.

در اواخر سلطنت شاه طهماسب نقاشي بنام استاد محمدي شهرت يافت، كه پسر و شاگرد سلطان محمد بود، وي سبك جديد و قشنگي را در نقاشي رنگي بوجود آورد، و نيز براي ظرافتي كه در تصوير سازي انسان و حيوانات بكار برده مشهور است وي از نهال هاي برومند و آخرين مكتب بهزاد بود.

شعبه يي از مكتب هرات، در شيراز كه مقرر سلطان ابراهيم بن شاهرخ بود رونق گرفت و مجموعهء مصوري از بهترين اشعار فارسي در سال (۸۱۳ هـ ۱۴۱۰ م) نوشته شده كه در موزهء بریتانيا محفوظ است. مجموعهء ديگر اشعار فارسي بتاريخ (۸۲۳ هـ ۱۴۲۰ م) نوشته شده در برلين هست و نسخه يي از شاهنامه از همين مكتب در بودليان موجود است اما بقول پروفيسور كوهنل Kuhnel مينياتور هاي اين مكتب از لحاظ رنگ آميزي سبكتر و كم رنگتر از مينياتور هاي مكتب هرات است. (۱۴)

نفوذ بهزاد هم در هرات و هم در تبريز ادامه داشت، در هرات شاگردان بهزاد سبك استاد را تعقيب كردند، و خود بهزاد از سال (۹۱۶ هـ ۱۵۱۰ م) در تبريز بود و ميتوان او را مؤسس مكتب نقاشي صفوي (در فارس) دانست. چندين نسخهء خطي و مينياتور مفرد از دورهء شاه اسمعيل صفوي بمكتب هرات نسبت داده مي شود از ان ميانه سه مينياتور در موزهء متروپوليتن و دو در كتابخانهء ملي پاریس موجود است كه همهء آنها از

نسخهٔ ^۱خمسه امیر خسرو بلخی (ثم دهلوی) است که در سنه (۹۰۹ هـ ۱۵۰۳ م) در بلخ نوشته شده و کار آن خصایص اسلوب بهزاد را در بردارد و اسلوب مکتب هرات در آغاز دوره صفوی در دو مینیاتور و صفحه اول کتاب گوی و چوگان عرفی که در سال (۹۲۹ هـ ۱۵۲۳ م) بوسیله خطاط مشهور علی حسینی در هرات نوشته شده بخوبی آشکار است، این کتاب در پاریس موجود است.

یکی از نسخ خطی دیوان حافظ در پاریس است که پنج مینیاتور دارد، و یکی از آن امضای شیخ زاده و دوی دیگر آن امضای سلطان محمد نور را دارد، که پسر و شاگرد سلطان علی مشهدی است و تاریخ آن رجب (۹۳۱ هـ ۱۵۲۵ م) است، این مکتب بهزاد را تعقیب میکرد.

اینک چند اثر دیگر مکتب بهزاد:

- ۱- دیوان میر علی شیرنویبی کتابخانه پاریس تحریر (۹۳۲ هـ ۱۵۲۶ م) در هرات.
- ۲- ^۲خمسه نظامی مؤرخ (۹۳۱ هـ ۱۵۲۵ م) موزه متروپولیتن، که تصاویر این هر دو کتاب را بنابر شباهت سبک به شیخ زاده شاگرد بهزاد نسبت میدهند.
- ۳- دیوان مؤرخ ۱۵۲۶ م ۹۳۲ هـ کار سلطان محمد نور.
- ۴- ^۴خمسه نظامی موزه بریتانیا تحریر بین (۹۴۶ هـ ۹۵۰ هـ) برای شاه طهماسب.

۵- نسخهء مصور شاهنامه مؤرخ (۶۴۹ هـ- ۱۵۳۷ م) در پاریس که این هر دو کتاب را کار سلطان محمد دانسته اند. و همین کتاب دارای دو مینیاتور بامضای دیگر شاگردان بهزاد است، میرک و مظفر علی و میر سید علی (۱۵). مکتب نقاشی هرات در عهد صفویان در پارس و بعد از همایون درهند ادامه پیدا کرد، و مطابق محیط های جدید خویش نشو و نما نمود، و کتابهای فاخر و نفیسی را نقاشی کردند، که از آنجمله رضا عباسی و آقارضا و شاگردان مکتب هنری ایشان مانند معین و یوسف و محمد قاسم (در پارس) و شاهقلی و ولیجان تبریزی در مملکت عثمانی سبک نقاشی تورکیه را بوجود آوردند.

مکتب نقاشی تورکیه هر چند منابع از مکاتب هنری اروپا نیز داشت، ولی هستهٔ مرکزی آنرا همان ادامهء مکتب هرات تشکیل میداد و تصاویر کار شاهقلی و ولی جان شاگرد سیاوش اکنون در موزه های معروف اروپا و امریکا به نظر می آیند که اشکال حوریان بالدار بهشتی در آن خیلی جالب است، و کتاب سلیمان نامه در همین سبک توسط فردوسی نام اهل بروسه برای سلطان بایزید دوم در حدود (۹۰۰ هـ) نوشته شد و نسخهء دیگر آن محرره (۹۸۷ هـ) در مجموعهء چستر بیٹی لندن است، و نیز از نسخهء بی نامی (۳۰) شکل در موزهء متروپولیتن باقی مانده است که سبک هنری نقاشی تورکیه را نمایندگی میکند. (۱۶)

کمال تبریزی شاگرد میرزاعلی و شاه قلی از بقایای هنرمندان بهزاد نیز به ترکیه مسافرت کرد و در دربار سلطان سلیمان قانونی مقام بزرگی یافت (۱۷).

مآخذ:

- (۱) نقاشی اسلامی از آرنورلد.
- (۲) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۱۲.
- (۳) سروی هنر ایران ج ۵ تابلوی ۸۸۵
- (۴) مینیاتور ایران از ساکسیان، تابلو ۷۵.
- (۵) صنایع ایران ۱۰۸.
- (۶) تاریخ صنایع ایران ۱۷۱.
- (۷) میراث ایران ۲۴۷.
- (۸) صنایع ایران ۱۱۳.
- (۹) تاریخ صنایع ایران ۱۹۴.
- (۱۰) راهنمای صنایع اسلامی ۵۶.
- (۱۱) صنایع ایران ۱۱۵.
- (۱۲) التصوير الاسلامی تابلوی ۲۰.
- (۱۳) صنایع ایران ۱۱۶.
- (۱۴) رهنمای صنایع ۵۵.
- (۱۵) رهنمای صنایع ۶۳.
- (۱۴) رهنمای صنایع ۳۶.
- (۱۷) صنایع اسلامی ۱۳۰.

اثر مکتب هنری هرات بر فارس

هرات بمنزله مرکز تشعشع هنری آسیا مدتها باقی ماند و انوار هنر آن بر شرق و غرب و شمال تابید. دربار پارس و شاهان صفوی نیز مرجع هنر-وران گردید، و سبکی که ادامه مکتب هرات بود، در خطاطی و نقاشی و مذهبی و مصوری بنام "مکتب صفوی" در پارس پرورده شد. از هنروران معروف و بقایای مکتب هرات در پارس سلطان محمد نور پسر و شاگرد سلطان علی مشهدی و شاه محمود نیشابوری و میر علی (حدود ۱۰۰۸ هـ) و علی رضای عباسی و محمود مذهب و مولانا یاری و میرک مذهب و پسرش قوام الدین مسعود و مولانا حسن بغدادی و مولانا عبدالله شیرازی شیخ زاده و خواجه عبدالعزیز و مظهر علی و میرسید علی و محمدی و سید میر نقاش و شاه محمد و دوست محمد میباشند که در تحریر و تذهیب شهرتی داشته اند. (۱) و از آثار ایشان تذهیب خمسه نظامی ۹۴۹ هـ (موزه بریتانیا) و سرلوحه بوستان سعدی مؤرخ ۸۹۳ هـ ۱۴۸۸ م تذهیب

یاری (دارالکتب "مصریه) است که دران تصاویر مرغابی در حالت پرواز دیده می شود، ولی در روش مکتب صفوی همان صفا و لطافت رنگهای مکتب هرات موجود نیست و دقت در ترسیم و تزئین نیز از میان رفته است. (۲)

چون بعد از ضعف تیموریان هرات، استاد بهزاد به تبریز رفت، مکتب هنری پارس نیز بر پایه کار این هنرمند و شاگردانش استوار شد و سلطان محمد نور با این استاد و همراهانش دوست و معاصر بود ولی اسلوب فنی بهزاد در هرات و تبریز تفاوت بارزی نداشته و فرق میان آثار فنی او در هرات و تبریز خیلی ساده و مختصر است. اما شاگردان او که از هرات به پارس رفته اند، محیط جدید در سبک و اسلوب ایشان تأثیر نمایانی داشته است. شیخ زاده خراسانی شاگرد بهزاد با وی از هرات به تبریز رفت، یک اثر نقاشی در نسخه خطی دیوان حافظ در مجموعه نفیس کاتب محفوظ و مجلس وعظی است که در سیمای اشخاص تأثیر نطق واعظ کاملاً نمایان است و نقاش توانسته است با کمال مهارت تأثیرات نفسی آنها را ظاهر و مجسم سازد و این نقاش کاملاً از اسلوب بهزاد و شاگردانش بهره مند بوده است. (۳)

داکتر کوهنل عقیده دارد، که ده تصویر از چهارده تصویر که در نسخه خطی بسیار زیبایی از خمسه نظامی که در سال ۹۳۱ هـ ۱۵۲۵ م بخط خوش نویس بزرگ سلطان محمد نور نوشته شده و فعلاً در نیویارک در موزه متروپولیتن هست بقلم شیخ زاده کشیده شده است.

دیگر از شاگردان بهزاد خواجه عبدالعزیز است و از جمله آثار فنی وی تصویر یکی از شهزاده گان صفوی در مرقعات کتابخانهٔ توپ قاپوسرای استانبول است، که خواجه عبدالعزیز دران خود را از شاگردان بهزاد شمرده است، آقا میرک نیز از نقاشان بزرگ و شاگردان بهزاد است که پنج تصویر او در نسخهٔ خطی خمسۀ نظامی محررۀ سال ۹۴۶ و ۹۴۹ هـ در موزه بریتانیا هست، از تمام رسوم و آثار و ابنیه و گلها و شاخه ها و درختها که درین تصاویر موجود است بر می آید که میرک از روش و اسلوب استاد خود بهزاد اقتباس کرده، و حتی دربرخی موارد بر استاد خود برتری داشته است.

گویند که سلطان محمد بعد از بهزاد ریاست مکتب صفوی را داشت، و تصاویر وی در کتاب خمسۀ نظامی سابق الذکر دیده می شوند، اسلوب این شخص واضح می سازد که میرک و سلطان محمد هر دو در مکتب بهزاد این فن را فرا گرفتند و بعد از سلطان محمد شاگردانش شاه محمد و میر نقاش کارهای مکتب بهزاد را در پارس ادامه دادند و مظفر علی و میرزا علی و میر سید علی هم از شاگردان مکتب بهزاد اند، که سنن فنی او را زنده نگهداشته و امروز بسا از کارهای ایشان در موزیم های دنیا محفوظ اند. محمدی فرزند سلطان محمد نیز از برازندگان این مکتب است، که آثار جاویدانش تا کنون دیده می شود.

و بعد از ایشان آقا رضا و رضا عباسی و معین و حیدر و محمد قاسم و محمد یوسف و محمد علی و میر افضل و حبیب الله و ملک حسین

و شاه قاسم و غیره از مشاهیر مکتب هنری پارس اند، که از ستارگان آسمان بهزاد شمرده می شوند. (۴)

مآخذ:

- (۱) راهنمای صنایع ص ۸۰ و صنایع ایران ص ۷۷.
- (۲) صنایع ایران ص ۷۷.
- (۳) تابلوی ۳۶ تصویر فی الاسلام بحواله ص ۱۲۱ صنایع ایران.
- (۴) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۲۰.

مکتب هنری هند

در نقاشی های هند بعد از فتح بابر (۹۳۲ هـ) نفوذ بهزاد و مکتب بخارا بنظر می آید، چون همایون پسر بابر از پارس برگشت، وی دو نفر نقاشان پارس خواجه عبدالصمد شیرازی و میر سید علی را که در تبریز به ایشان آشنا شده بود، در سنه (۹۵۶ هـ ۱۵۴۹م) بکابل خواست، تا داستان امیر حمزه را مصور سازند و این دو نفر استاد که از بقایای مکتب بهزاد بودند، مکتب نقاشی مغولی هند را شالوده گذاشتند، و کتاب امیر حمزه اصلاً (۱۴۰۰) قطعه نقاشی داشت که از انجمله برخی در موزه های اروپا و امریکا دیده می شود.

اکبر که حامی هنر بود بوسیله این دو هنرمند مکتب نقاشی را در آگره کشود که تا صد نفر نقاش هندی دران هنر می آموختند، بقول ابو الفضل نسخ زیاد استادان نامی مانند بهزاد و میرک و سلطان محمد در کتابخانه، سلطنتی هند فراهم آمده بود، کتاب هفت پیکر نظامی بتاریخ (۹۸۸ هـ

۱۵۸۰م) برای اکبر درین هنر کده به پیروی کار های بهزاد نوشته شد و نسخه اکبر نامه چستریتی لندن که تصاویر آن بقلم هنرمندان هندی مانند دهرم داس، سنواله، شینکر، لعل، سورداس و نرسنگه و فرخ بیگ و موکند و گوردهن تهیه شده، و آمیزش سبک بهزاد را با مکتب هنری کشمیر و گجرات و پنجاب نمایش میدهد، از شاگردان این مکتب بساون و داسونتهه و منوهر نیز شهرت دارند، و کار ترجمه فارسی مهابهارت از همین مکتب است.

در عصر بعد از اکبر منصور و مراد و منوهر و ابوالحسن پسر آقا رضا ملقب به نادر الزمان (نقاشان دربار جهانگیر) و فاخر الله و میر هاشم و هون هد و بیچتر و انوب چهاتر (نقاشان عصر شاه جهان) از بقایای این مکتب اند. (۱)

مکتب هنری بخارا:

در اواخر دوره اوج هنری مکتب هرات، هنگامیکه مکتب صفوی و هندی ازین منبع فیاض منشعب میشد، در بخارا نیز سبک مهم نقاشی از همین سرچشمه بوجود آمده بود.

در حدود (۹۴۲ هـ - ۱۵۳۵ م) نقاشان و خوشنویسان زیاد مکتب هرات در اثر انقلاب روزگار و سلطه صفویان به بخارا و ماوراء النهر گریختند و در آنجا باسلوب مکتب هرات و مخصوصاً سبک بهزاد کار خود را ادامه دادند، از آنجمله میر علی هراتی شاگرد زین الدین محمود از خطاطان مشهور هرات در سنه ۹۴۱ هـ - ۱۵۳۴ م بدربار بخارا رفت و راه و رسم خوش نویسی مکتب هرات را در آنجا ادامه داد، وی نسخه یوسف و

زلیخای جامی را بتاریخ ۹۳۰ هـ ۱۵۲۳ م در هرات نوشت که در بخارا مصور و مذهب شد. (۲)

از هنرمندان مشهور مکتب بخارا محمود مذهب شاگرد میر علی خطاط معروف و پیرو اسلوب بهزاد است، وی در الفت دادن بین اشکال و پوشاندن زمینه تصاویر به ابنیه و کشیدن اشکال اشخاص و تقسیم آنها از روش بهزاد پیروی کرده و بعد از رفتن بهزاد به تبریز وی به بخارا رفته است.

از مشهورترین آثار هنری محمود مذهب تصاویریست در نسخه خطی تحفة الاحرار جامی که در بخارا نوشته شده، و نسخه دیگر همین کتاب که تصاویر آن بامضای محمود مذهب است در مجموعه هومبرگ کتابخانه ملی پاریس دیده می شود.

در یک مجموعه نقاشی کتابخانه حضرت رضا در مشهد مناظر بزمهای عشقی کار همین محمود مذهب و شاگردش عبدالله موجود است که کاملاً سبک نقاشی بخارا دارد.

دیگر نمونه کار محمود در مینیاتور دو صفحه بی مؤرخ (۹۰۳ هـ ۱۵۴۶ م) مخزن الاسرار نظامی کتابخانه ملی پاریس بامضای اوست. که اصل کتاب در سنه (۴۹۹ هـ ۱۵۳۷ م) در بخارا بدست میر علی نوشته شده است و امتیاز این تصویر در تناسب آن و تباین رنگهایش می باشد. (۳)

دیگر نمونه مکتب بخارا یوسف و زلیخای جامی است که میر علی حسینی در سال (۹۳۰ هـ ۱۵۲۳ م) نوشته، ولی مینیاتورهای آن در حدود (۹۴۷ هـ) ساخته شده، و نفوذ شدید مکتب بهزاد و هرات را میسرسانند، هکذا یک بوستان سعدی و دیگر فتوح الحرمین محیی لاری نیز دارای تصاویر بهمین سبک اند. (۴)

دیگر از ناموران هنرمندان مکتب بخارا شیخ زاده شاگرد بهزاد بود و مینیاتورهای وی در بخارا بسبک کارهای آن استاد بزرگ است و بسبب رنگهای روشن قرمز خیلی مشهور اند. (۵)

عبدالله مذهب نیز از مکتب هرات وبه بخارا هجرت کرد، که تصاویرش خیلی کم و نادر بدست می آید، و شاید مشهور ترین آنها تصویر جوانی باشد که در زیر درخت پر گلی مشغول ساز نواختن است، این پرده اکنون در موزه فنون نفیسه لیزیک می باشد. (۶)

از ممیزات مکتب بخارا یکی اینست که پوشاک سر اشخاص عبارت از کلاه ترک دار بلند است که قسمت پائین آنرا عمامه یی پوشانیده است و دیگر صور اشخاص را بطور انفرادی و مستقل کشیده و هواخواهان نقاشی ازین تصاویر مرقعهای جداگانه را تشکیل میدادند. تزئین حواشی نسخه های خطی بانواع نقش و نگارهای دو رنگ طلایی و نقره یی بر روی یک زمینه رنگ آمیز نیز از ممیزات این مکتب است. (۷)

مآخذ:

- (۱) راهنمای صنایع اسلامی ص ۶۹ بعد و تاریخ صنایع ایران ص ۱۹۶ و صنایع ایران بعد از اسلام ص ۱۲۹.
- (۲) راهنمای صنایع ص ۸۰
- (۳) صنایع ایران ۱۱۸.
- (۴) راهنمای صنایع اسلامی ۶۵.
- (۵) تاریخ صنایع اسلامی ۱۹۷.
- (۶) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۹۸.
- (۷) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۱۸.

تذهیب

تذهیب کتب نیز از هنر های خیلی مهم دوره اسلامی است و از نسخ قرآن عظیم که از قرن چهارم تا ششم هجری در دست است پدید می آید، که نسخه های کتاب آسمانی را با بهترین و دقیق ترین رسوم و اشکال تذهیب میکردند و مذهبان که این کتب خطی را بعد از تحریر بانواع آرایش های هنری می آراستند در مرتبه از خطاطان و مصوران کمتر نبودند.

مذهبان، حواشی و صفحات اول و آخر و سر فصلها و عناوین کتب و اوایل سوره ها و احزاب قرآنی را با ستارگان و رسوم هندسی و گل و بوته و شاخه و برگها و گاهی با اشکال انسان و پرندگان و آهو و مرغابی و غیره تزیین می نمودند و مانند هنرمندان دیگر نام خود را بران کتاب با صفت "مذهب" می نوشتند، و برای این کار مصارف گزافی با مواد قیمتی از قبیل طلا و نقره و لاجورد و کاغذ عالی و الوان گوناگون میشد.

و قراریکه هنر شناسان رأی داده اند درین تزئینات تذهیبی مخلوطی از رسوم ساسانی و بیزانس و نبطی و کتب یهود و مسیحیان کلیسای شرقی اقتباس می شد. (۱)

تا کنون کتب خطی تذهیب شده قدیمتری را از دوره سلجوقی یافته اند، که طریقه جدول کشی در سطرهای نوشته شده و تزئین حواشی خارج با اشکال و رسوم نباتی از ابتکارهای همین عصر می دانند. در دوره مغول مذهببان رنگهای طلایی و آبی و قرمز و سبز و پرتغالی را استعمال میکردند و رسوم و اشکال هندسی گوناگون را با ستاره های متنوع و اشکال مربع و مسدس و مثنی و دوایر مشبک و دیگر اشکال مملو از شاخ و بوته، نباتات و صور انسانی و حیوانی می نوشتند، و دران منتهای دقت و استادی را نشان میدادند.

از نسخه خطی شاهنامه بایسنقری موزه گلستان (۸۲۳ هـ) که دران صورت مذهب نیز کشیده شده پدیدار است، که مذهب نیز در جمله هنرمندان دیگر آبرو و مقامی در خور اهمیت داشته است. (۲) در دوره تیموریان هرات بر اهمیت رونق تذهیب افزوده شد، که همان نسخه شاهنامه بایسنقری این هنر را در نهایت اوج نشان میدهد و از مذهببان معروف اکادیمی هرات مولانا تاج محمد نقاش و مذهب بود که در علم جبل (جراثقال) و میکانیک و چینی سازی هم دستی داشت، و امیرخلیل و میرک نیز ازین جمله اند. (۳)

باری تذهیب از خصایص بسیار جالب مکتب هنری هراتست، که بعد از آن به پارس و هند و بخارا نیز سرایت کرده و تقلید شده است و در افغانستان بسا کتب خطی هرات بنظر می آیند که نمونه های خوب تذهیب و تزیین بشمار می آیند.

مآخذ:

- (۱) صنایع ایران بعد از اسلام ۷۴.
- (۲) صنایع ایران بعد از اسلام ۷۶.
- (۳) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۷۶ بحواله مصوری در اسلام تألیف آرنولد ص ۲۳۹.

صحافی و جلد سازی

اما هنر صحافی و جلد سازی کتب نیز در قرن نهم هجری در هرات باوج خود رسیده بود، از بهترین کار های صحافی و تجلید کتب که تا کنون بوجود آورده شده صحافی های مدرسه هرات دوره تیموریست که صنعت صحافی و چرم کاری بحد کمال رسید و دارای طرحهای عالی است که دران نهایت دقت و مهارت بکار رفته است. قسمت خارجی معمولاً دارای تزیینات فشاری است، در حالیکه در قسمت داخلی طرحهای زیبای بریده شده، روی زمینه آبی رنگ قرار داده شده است، و نمونه های خوب صحافی و تزیینات جلد کتاب در نسخه های مورخ ۸۴۱ھ - ۸۴۹ھ کتابخانه توپقاپو سرای استامبول، و خمسه نظامی مؤرخ ۸۵۰ھ متروپولیتین موجود است.

در قرن ۱۵ و ۱۶ صنعت کتب ممالک اسلامی را در ایتالیا و مخصوصاً در شهر وینز تقلید میکردند و بدین وسیله بسیاری از نمونه های شرقی در طرحهای اروپا راه یافت و صنعت جلد سازی و طلا کوبی بسبک اسلامی در تزئین جلد کتاب در اروپا شایع شد. (۱)

اگرچه درین دوره هرات در فن جلد سازی و صحافی گوی پیشی را ربوده، اما غیر ازان مراکز دیگری نیز وجود داشته که مهمتر از همه در خراسان و سمرقند و مرو و مشهد و بلخ و نیشاپور بود. (۲) و جلد سازان بر خلاف روش های قدیم که در تزئین بکار میرفت برای تزئین جلد ها مناظر طبیعی و اشکال حیوانات و پرندگان حقیقی و خرافی را در نهایت دقت و اتقان بکار بردند. این هنرمندان فشار با ابزار های ساده را برای ترسیم اشکال هندسی و شاخه و بوته در روی جلد ترک کردند، و قالب های فلزی را که هر کدام دارای شکل مستقلى بود بکار برده و با آنها بجلد فشار وارد آوردند، و در اثر این فشار اشکال نباتات و حیوانات را و شکل آدمی را بطور برجسته در روی جلد نمایان می ساختند. صحافان و جلد سازان مکتب هنری هرات از نیمهء قرن دهم هجری (۱۶ م) برای تزئین جلدها اشکال و رسم های لاکی را نیز بکار بردند، و قدیمترین جلد های این نوع کتابها در سال ۹۲۱ هـ ۱۵۲۵ م است که از حیث رنگ آمیزی خیلی زیبا و ممتاز است و رنگهای مشکى و طلايى زیادتر بکار رفته است. نباید فراموش کرد که مکتب هرات در فن جلد سازی تأثیر زیادی نسبت بسایر مراکز فنی داشته و رفت و آمد هنر و ران بدان شهر فراوان بود

و اکادمی هنری هرات که در سال ۹۱۳ هـ ۱۵۰۷ م با هجوم شیبانی خان منحل شد، اغلب هنروران آن بمراکز دیگر فنی در هند و پارس و دربار عثمانی هجرت کردند.

باید دانست که این جلد های هزلها، که در دقت و نکات فنی و صنعتی یکی از معجزات فن آن بود تنها منظور از ساختن آنها این نبود، که بمنزله غلافی باشد که کتاب را بدان حفظ کنند، بلکه خود آنها جزئی از اجزاء گرانبهای کتاب بشمار میرفتند، و کتاب با وقایه خود در محفظه بی از دیا یا مخمل یا صندوق چوبی حفظ می شد. (۳)

اشکال نباتی:

دوره غزنوی بطریف کاری در تزیینات نباتی که از شاخه و ساقه های ممتد تشکیل می شد امتیاز خاصی داشته و با توازن و تناسب بسیار دقیقی که نمونه کاملی از ابداع و قدرت نمایی در کشیدن اشکال ((ارابسک)) است آنها را نمایش داده است.

در اشکال نباتی و گلها و درخت هایی که از مکتب هرات در تصاویر یا بر روی خزف و یا منسوجات و پارچه های گرانبهایی که در قرن دهم و یازدهم هجری ۱۶-۱۷ م می بینیم، ظرافت عناصر نباتی پدیدار است.

در حقیقت اشکال نباتی که در تزیین صنایع بکار میرفت از قرن ۸ هجری (۱۴م) بسوی تکامل رفته و نمونه صادقی از نباتات طبیعی و حقیقی شده و هنرمندان درین میدان به منتهی درجه موفقیت رسیده اند و شاید بر اثر تأثیر فنون و روشهای چینی بود، که بوسیله مغولها آمده است. (۴)

گرانها ترین کتب دنیا:

در موزه گلستان تهران نسخه یی از شاهنامه بخط جعفر بایسنقری موجود است که در سال ۸۲۳ هـ ۱۴۲۹ م نوشته شده این نسخه از شاهکار های نقاشی این مکتب است، که ۲۲ مینیاتور این کتاب، نقاشی هرات را در اوج ترقی خود نشان میدهد.

از صفات ممتاز این تصاویر رنگ آمیزی درخشان و دقت در جزئیات است، که مختص نقاشی آن عصر میباشد. (۵)

از لحاظ تذهیب و تزیین نیز این نسخه عالیترین کار مکتب هرات است که تذهیب کاریهای رنگ آن توسط هنرمندان درباری انجام یافته و طرحهای گل و گیاه این تذهیب نمونه دقت در جزئیات و شفافیت رنگ است، بطوریکه نظیر آن فقط در میناتور کاری دیده می شود. (۶)

معاون آثار عتیقه مشرق زمین در موزه بریتانیا پروفیسور د، برت درباره این کتاب نفیس می نویسد:

بایسنقر میرزا پسر شاهرخ (متوفی ۸۴۶ هـ) هنرمندان را از سراسر امپراطوری تیموریان در دارالعلم هرات گرد آورد، درین شهر بود که کاغذ ساز، خطاط، تذهیب کار، صحاف، رنگ ساز، نقاش، شیرازه کار در تهیه کتابهایی که میتوان بعضی از آنها را از عالیترین کتابهایی که در تاریخ بشر ساخته شده دانست همکاری میکردند و شاهنامه بایسنقری (۸۲۳ هـ) را بوجود آوردند. که خطاطی و تذهیب و نقاشی فقط جزئی از تمام کتابست. صحافان نیز از نظر هنر از همکاران هنرمند خود عقب نماندند و نفیس ترین جلدی برای آن ساخته اند. و حتی نمونه های این

تجلید خراسانی مورد تقلید جلد سازان اروپا گردید، و این کتاب معرف عالیترین مرحله کمال کتاب سازیست. (۷)

گویند صورت بایسنقر میرزا که این نسخه باو تقدیم شده است با صورت نویسنده و مذهب و نقاشی که دران کار کرده اند درین نسخه موجود است. (۸)

امتیاز این نسخه در اتقان تصاویر و ابداع در تزیین و استادی در رسم حوادث است بطوریکه روحانیت مخصوصی بآنها بخشیده است و مخصوصاً در تماسک اجزای رسم و وحدت تالیف بین آنها و تنوع در مناظر و خالی بودن از مکررات ملال آور مکتب های تبریز و شیراز و مراعات کمال دقت در کشیدن اسپها و بوته ها و گلها و پرندگان و زینت لباسهاست و توجه خاصی در رسم تفصیل داستانها و نمایاندن انواع تحف از قبیل قالی و ظروف و غیره شده است. (۹)

ماخذ:

- (۱) راهنمای صنایع اسلامی ۸۹
- (۲) صنایع ایران ۱۶۴.
- (۳) صنایع ایران ۱۴۶ بیعد.
- (۴) صنایع ایران بعد از اسلام ۲۸.
- (۵) راهنمای صنایع اسلامی ۵۵.
- (۶) راهنمای صنایع اسلامی ۸۳
- (۷) میراث ایران ص ۲۴۵.
- (۸) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۷۶.
- (۹) صنایع ایران بحواله سروی آرت ایران ۳: ۱۸۵۱.

فلز کاری و ترصیع

صنعت ترصیع اشیای برونزی باساس فلزات از قبیل مس و نقره از عصر سلجوقی در خراسان وجود داشته و بالاخره ترصیع کاری ارزش هنری پیدا کرد و اسلوب ابتکاری هرات و نیشاپور و سیستان و مرو که مراکز مهم فلزکاری بودند بتدریج به سایر ممالک راه یافت. (۱)

فلزکاری مانند دوره قبل سلجوقی از برنز یا مفرغ بوده و ترصیع و خاتم کاری از عوامل تزئینی عمده آن بود، که اینک چند نمونه کار هرات و خراسان موجود است:

- ۱- در موزه هرمیثاژ شوروی قدیمی ترین نمونه ترصیع کاری یک قلمدان برنجی دارای ترصیع مس و نقره بصورت‌های کوچک و پرندگان کوچک و شاخ و برگ موجود است که مربوط بسال (۵۴۳ هـ ۱۱۴۸ م) در خراسان باشد. (۲)

۲- مهمترین انرژی فلز کاری مرصع هرات بی شک سطل مدور دسته دار موزه هرمیتر است که بموجب کتیبه آن در سال (۵۵۸ هـ ۱۱۶۳ م) در شهر هرات بوسیله محمد بن الوحید ریخته گر و مسعود بن احمد قلم زن برای یکی از تجار شهر زنجان ساخته شده است. و ازین معلوم است که این صنعت دران زمان در هرات سازمان مفصلی داشته و به شهر های دیگر صادر میشد، نقشه های این ظرف عالی از نقره و مس درست شده و پنج ردیف است، دو تای آن مجالس شادی دربار و شکار است، و بقیه مزین با خطوط کوفی و نسخ میباشد و قسمت عمومی خط نسخ، تبدیل بدن و سرو کله آدمک هایی گردیده که بسیار دلپذیر و دقیق اند (۳) و اشکال جنگجویان و شکار چیان و مناظر جشن مردان را در حالت نوشیدن و بازی نشان میدهند و صور رقاصه ها و نوازندگان نیز بران دیده می شود و کتیبه های کوفی و نسخ آن که بشکل بدن انسانی آورده شده ابتکار خراسان است و ازین ظرف مصنوع هرات میتوان یک مکتب جداگانه ترصیع برنز و مس را تشخیص داد. (۴)

۳- ابریقی که در مجموعه مورگان بود، نمونه خوبی ازین گروه خراسانی است. بدنه آن دارای تزیینات متشابهک است که در انتهای آنها سر حیوانات مختلف نقش و به دوازده قسمت تقسیم شده، که روی آن اشکال بروج فلکی و کواکب و سیارات کشیده شده است. تزیین گردنه کتیبه کوفی و نسخ است که عیناً مانند آثار دیگر هرات، انتهای حروف بشکل سر انسان در آورده شده است و میتوان گفت که این ظرف در خراسان ساخته شده است. (۵)

۴- ابریقی در موزه تفلیس موجود است که با نقره و مس ترصیع شده و تاریخ آن (۵۷۷هـ - ۱۱۸۱ م) است، که امضای سازنده آن محمود بن محمد هراتی بران نوشته است. (۶) بدنه این ظرف شیار شیار است و بر روی شانه آن بروج دوازده گانه نقش شده و خصایص کاملاً خراسانی را دارد. (۷)

۵- دیگر از آثار هنری خراسان که خصایص صنعت هرات را دارد، قلمدانی است در گالری فریر در واشنگتون که سازنده آن شاهی نامداشت و در (۶۰۷هـ - ۱۲۱۰ م) برای مجدالملک مظفر وزیر اعظم خراسان در مرو ساخته شده و اسلوب تزیین و نوع کتابت کوفی و نسخ همانست که بشکل سر انسان و حیوان کشیده شده و در فلز کاریهای هرات مروج بوده است، و بهمین سبک یک جام برنزی در موزه متروپولیتن نیز موجود است. (۸)

مآخذ:

- (۱) راهنمای صنایع، ص ۱۴۱.
- (۲) میراث، ص ۲۲۲.
- (۳) میراث، ص ۲۲۲.
- (۴) راهنمای صنایع، ص ۱۴۲.
- (۵) راهنمای صنایع، ۱۴۲.
- (۶) راهنمای صنایع ص ۱۴۲.
- (۷) میراث، ص ۲۲۳.
- (۸) راهنما، ص ۱۴۴.

منسوجات

باید گفت که دوره سلجوقی ارتقای صنعت بافندگی بوده است که دو عامل مؤثر داشت یکی تعالیمی که بواسطه سلجوقیان از سبکهای چینی فرا گرفته اند و بر اثر آن ترسیمات دقیق نباتات و پرندگان و حیوانات در اشکال تزئینی آنها تجلی نمود، دوم اسالیب اسلامی که در بلاد بین النهرین متداول بود، و فروع بوته های نباتی و حواشی را بجای موضوعات تزئینی ساسانی بکار برده اند. (۱)

از مراکز نساجی قبل از دوره مغول خصوصاً هرات شهرت داشت و مغولیان در هرات و نیشاپور به ارباب صنایع اذیت کمتر رسانیدند، در یکی از موزه های شهروین مجموعه یی از منسوجات ابریشمی دوره مغول موجود است که جزو کفن روولف چهارم دوک اتریش بود و بران اشکال پرندگان بزرگی است که بر زمینه اطلسی بافته شده و روی یکی از آنها کتابتی با خط نسخ درشت بنام سلطان ابو سعد (۷۱۷/۷۳۶ هـ) موجود است. (۲)

شهر های خراسان از قبیل سمرقند و هرات در عصر تیموریان مراکز مهم بافندگی بود، که امراء و شاهان می پوشیدند، و بهترین پرده ها و فرشها و بالش و متکاها را ازان درست میکردند، و سبک تزینات دوره تیموری در کثرت اشکال نباتات متصل با طلا و نقره و اشکال پرندگان مطابق روش چینی بر پارچه های مخملی بسیار عالی است، که یکی از جهانگردان ایتالیا آنرا دیده بود. چون بین دربار های تیموریان و شاهان چین روابط سیاسی و اقتصادی بر قرار بود، بنابراین اثر صنایع چینی در هنر های زیبای خراسان بخوبی دیده می شود، و حتی در (۸۲۳ هـ و ۸۲۶ هـ) چون هیأت اعزامی دربار هرات به چین رفت، گیاث الدین نقاش مشاهدات خود را که متضمن معلومات زیادی در باره ابنیه و البسه چین بود، گزارش داده است. و بنابراین دوره تیموریان در تکمیل موضوعات تزینی و نقش و طرح پارچه ها، لطافت و زیبایی خاصی یافته و ازان حالت ابتدایی و خشوتی که در پارچه های عهد ساسانی و صدر اسلام دیده میشود رهایی یافته است. (۳)

همانطوریکه هرات پرورشگاه صنایع نفیس در دوره تیموری بود، در عصر صفویان نیز یکی از مراکز مهم بافندگی و نساجی بشمار میرفت. و روش های نقاشی مکتب بهزاد چه در خراسان و چه در پارس در تزین منسوجات نیز بکار افتاد و بر بسا پارچه های بافته عهد صفوی که اکنون نمونه های آن باقی مانده، در نقاشی و تصاویر بافندگی آن اثر صنعت سلطان محمد و محمدی و رضا عباسی از بقایای پیروان مکتب بهزاد دیده میشود. (۴)

مآخذ:

- (۱) صنایع ایران ۲۳۱.
- (۲) سروی آرت ایران ج ۶ تابلوی ۱۰۰۳.
- (۳) صنایع ایران ۲۴۰.
- (۴) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۲۴۳.

قالین بافی

قالین بافی از هنرهای قدیم خراسان بود. اس. ادواردز که عمری را در قالین شناسی مشرق زمین بسر برده در فصل خاص قالی کتاب میراث ایران، دلایلی را می آورد که هنر قالی بافی قبل از نفوذ عناصر تورکی و هجوم اقوام مغول در سرتاسر خراسان رواج داشت و اکثر جغرافیا نویسان عرب و عجم از صنعت قالی بافی در خراسان از زمان قدیم و اوایل دوره اسلامی یاد کرده اند. (۱)

و بقول ی. گدار. نمونه هایی از قالین عهد ساسانی نیز در دست است. (۲)
م. س. دیماند در باره قالین بافی خراسان معلومات مغتنمی می دهد و گوید:
مارکوپولو که در حدود (۶۶۹ هـ - ۱۲۷۰ م) به آسیای صغیر مسافرت کرد. میگوید که زیباترین و عالیترین قالینهای دنیا بوسیله هنرمندان یونانی و ارمنی در بلاد ترکمن بافته می شود. (۳) و ازین آشکار است که

در بلاد شمالی افغانستان و خراسان صنعت قالی بافی در کمال عروج وجود داشت. دیمانند گوید:

از قالیهای مشهور و جالب توجه که نقش گل و برگ نخلی و شکل ابر بسبک چینی دارند این نوع قالی که نمونه های زیادی از آن در موزه ها و مجموعه های خصوصی یافته میشود. اشتباه باصفهان نسبت داده میشوند. در صورتیکه در حقیقت متعلق به هرات و مشرق ایران است. در کارهای نقاشان هلندی و اسپانیایی اواخر قرن ۱۶ و ۱۷ تصویر اینگونه قالیها دیده می شود. اولریوس که با سفیر دوک هلشتین - گوتورپ در حوالی سال ۱۶۳۷ م (۱۰۴۷ هـ) بایران آمده، مینویسد که زیباترین قالیهای ایران در هرات خراسان بافته میشود. شهرت خراسان برای نفیس بودن قالیهایش از طرف دیگران نیز تأیید گردیده و در قرن ۱۶ و ۱۷ هرات مرکز عمده قالی بافی خراسان بود. (۴)

در قالیهای قرن ۱۷ نوع هرات، نقش همان نقش قرن ۱۶ است ولی قدری درشت تر شده و در عصر صفویان هم هرات یکی از مراکز عمده این فن بود و حتی در مینیاتورهای کتب مضمون دوره تیموریان اشکال این گونه قالیها به نظر می آید و از خصایص آن برگهای بزرگ دنداندار است و حتی در هندهم ازین نوع قالی اقتباس کرده بودند. (۵) قدیم ترین نمونه قالی بسیار زیبای خراسانی در موزه پلدزولی شهر میلان از قرن دهم هجری (۱۶ م) موجود است که آنرا یکنفر خراسانی ساکن جام ساخته و این بیت بران نوشته است:

شد از سعی غمیات الدین جامی بدین خوبی تمام این کار نامی (۶) در قرنهای ۹ تا ۱۱ هـ نقاشان به کشیدن تصاویر کتب خطی اکتفا نکرده و نفوذ خود را در سایر انواع فنون مانند تزیین عمارات و مصنوعات چینی و پارچه ها و قالیها نیز بکار برده اند مهمترین نقاشانی که در نقشه کشی قالی کار کرده اند: بهزاد و سلطان محمد و سید علی اند. (۷) دکتور زکی محمد حسن مصری راجع به قدمت صنعت قالی بافی افغانستان گوید:

اگرچه تاریخ قالی های معروف راجع به دوره سلجوقی است ولی از مصادر ادبی و تاریخی بر می آید در قرن پنجم هجری (۱۱ م) قالیهایی نفیسی در دربار سلاطین غزنوی بوده است (۸) و تصاویر فرشهایی که در مشرق ایران خصوصاً آنهایی که منسوب به هرات اند در تابلوهای فنی اروپائیان در اواخر قرن دهم هجری (۱۶ م) زیاد کشیده شده است. (۹)

در انواع قالی، قسم گلدار هراتی در خراسان شهرت داشت که منسوب به قرن ۱۰ و ۱۱ هـ (۱۶ و ۱۷ م) است نقشه این قالیها عبارت از سبزه و گیاه و بادزنهای نخل بوده و زمینه قالی های هرات لاکمی رنگ و حاشیه آن سبز میباشد که در قرن ۱۱ هـ بادزنهای نخل آن بزرگتر از سابق بوده و در اصل نقشه بر گهای بلند و مقوسی هست و ازین پدید می آید که خراسان و هرات از زمان غزنویان یکی از مراکز عمده فنی بود. (۱۰)

یک عده سجاده به دوره صفوی نسبت داده میشود نقشه اصلی آنها آیات قرآن است که بعضی بخط نسخ و برخی بخط کوفی نوشته شده و نکات دیگر نقشه و رنگ آمیزی آنها شبیه به قالی بافت تبریز است ولی متخصصین در محل بافت آنها موافقت ندارند و عده بی آنرا بافت هرات میدانند.

از قالیهایی که به هرات نسبت داده شده عده ایست که نقشه آنها گل و موپیچ پیچ میباشد که در اطراف گل عباسی بزرگ کشیده و آن

عبارتست از طرح گلی که دور آن حلقه یی مدور یا بیضوی شکل از برگ دارد. در قالی های هرات نقش ماهی نیز دیده میشود که به برگ بلندی شباهت دارد. یک قالی این سبک در خزینهء امام رضا در مشهد هست که به حدود (۹۰۰ هـ) تعلق دارد.

قالیهای هرات در طرح قالیهای هندی نفوذ مهمی داشته اولیاریوس المانی که در زمان شاه عباس بایران آمده مینویسد که بهترین قالیها در هرات بافته میشود یک قسم قالیها را در اروپا و امریکا بنام قالی گلدانی میخوانند، زیرا نقشهء بعضی از آنها گلدانیست که ازان شاخ و برگ بیرون می آید. گلهای عباسی و اشکال گل و برگ که در این نوع قالی دیده میشود شبیه به نقشهء قالیهای هرات است. (۱۱)

ماخذ:

- (۱) A. C. Edwards
- (۲) میراث ایران ص ۳۶۰ به بعد.
- (۳) تمدن ایرانی ص ۲۹۱
- (۴) راهنمای صنایع اسلامی ۲۵۸.
- (۵) راهنمای صنایع ص ۲۵۷ به بعد.
- (۶) سروی آف پرشن آرت ج ۲ ص ۲۴۳۷ و کتاب قدیم ج ۲ نابلوی ۲۲.
- (۷) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۱۵۷.
- (۸) همین کتاب ص ۱۵۹.
- (۹) همین کتاب ص ۱۶۳.
- (۱۰) همین کتاب ص ۱۶۹.
- (۱۱) تاریخ صنایع ص ۱۹۲ به بعد.

ابنيه

امير تيمور معماران، نقاشان و صنعتگران را از نواحی مختلف گرد آورد و به پایتخت خود سمرقند برد، این عده در ساختمان و طرح بناء سبکی ایجاد نمودند که با وجود اینکه صنعتگران آن از نواحی مختلف آمده بودند آن سبک کاملاً خراسانی بود. ساختمانهای سمرقند همه عظیم و دارای تزیین و آرایش عالی بودند.

مسجد گوهر شاد مشهد که ازین ابنیه است به نظر بعضی از باستان شناسان در زمرهء دوازده عالیترین بنای تاریخی دنیا بشمار میرود که در حدود ۸۲۱ هـ بنای آن تمام شد و به دوازده سال در تحت نظر قوام الدین معمار معروف انجام یافت.

سر در این مسجد یک طاق عظیم کاشی کاری میباشد که در طرفین آن مناره است و بجای اینکه مطابق معمول روی دیوار بنا شده باشند تا سطح زمین امتداد یافته اند. زیبایی کاشی کاری آن حیرت آور است و سر

در عظيم را کتبيه مفصلی از کاشی احاطه نموده که دران بایسنقر محاسن و تقوای مادر خود. گوهر شاد را تمجید میکند.

داخل ایوان کاملاً سفید و ساده است و کتبيه هایی زیر گنبد عظيم دارد. این مسجد بسبب چهار ایوانی ساخته شده در کاشی کاری ایوان رو بقبله برنگ قرمز بیشتر اهمیت داده شده و در ایوان های طرفین رنگ فیروزه، آبی و سبز بیشتر دیده میشود، همه دارای موزائیک های کاشی است که از حیث ترکیب قابل توجه است. گنبد پیازی شکل و رنگ آن سبز تیره است و کتبيه بزرگ سیاه دارد و این مسجد یکی از شاهکار های معماری دنیاست. (۱)

در قریه طببات نزد یک مرز فعلی ایران و افغان ساختمان مزار مولانا شیخ زین الدین است که روی سر در آن چند کتبيه است که دارای خصایص عصر تیموریان بوده و در داخل آن کتبيه بزرگی است با کاشی سفید روی زمینه آبی که اسم شاهرخ بهادر با کاشی زرد رنگ دیده میشود. در تربت شیخ جام بین مشهد و سرحد افغان بعضی ابنیه مقبره ها متعلق بزمان تیمور است و مقبره گوهر شاد در هرات بنایست مربع شکل که گنبد آن سه مرتبه دارد.

گنبد اولی برای تزئین زیر گنبد به کار رفته و گنبد وسطی برای نگهداری و گنبد خارجی که به دنده های مدور متصل شده با کاشی آبی رنگ پوشیده شده است.

این مقبره سابقاً به بنای دیگری وصل بوده است و هفت مناره بسیار بزرگ بلند در نزدیکی آن قرار دارد. دو تای آن به مصلاهی معروف تعلق داشته که گوهر شاد آنرا ساخته یکی به بنایی که وصل مقبره بوده و چهار مناره بزرگ که با تکه های بزرگ سنگ مرمر و کتیبه ها و کاشی کاریهای دارای طرحهای مکرر زینت یافته و نشان میدهد که معماری و تزیین عصر تیموریان تا چه درجه زیبایی و عظمت داشته است.

در دوره سلجوقی به ساختمان و آجر کاری بیشتر اهمیت داده میشود ولی در عصر مغول و تیموریان در تزیین بیشتر دقت شده و رنگهای گوناگون در بنا های عظیمی که با کاشی های الوانی که در تمام تاریخ دنیا نظیر ندارد، ظاهر میگردد.

مأخذ:

(۱) تاریخ صنایع ص ۱۸۴.

نجاری

یک قسمت در های چوبی که راجع به قرن پنجم هجری (۱۱ م) میشود در مقبرهء سلطان محمود غزنوی بود که اکنون در هندوستان در قلعهء آگره میباشد این در ها منبت کاری است و ازین حیث خیلی شبیه است به آثار چوبی که در ترکستان غربی کشف شده است. (۱)

سطح خارجی این در ها نیز منبت کاری است و با اشکال ستاره یی چوبی که فوق العاده زیبا و با دقت ساخته شده مزین می باشد. (۲)

حقیقۀ این اشکال و تزیینات بهترین دلیل بر مهارت و استادی هنرمندان آن روز است و دقت و استادی آنها ازین آثار متجلی است و ثابت مینماید که در تنوع اشکال و ظاهر نمودن با بر جسته کردن مواد تزیینی تاچه حدی موفقیت داشته اند و این تنوع بحدی است که سطح را متعدد جلوه میدهد و چنان نمایش میدهد که سطوح متعددی از خلال

همدیگر نمایانست و یاروی همدیگر متحرک است و اگر چنین شهکاری را در های مقبرهء سلطان محمود داشته باشد جای شگفتی نیست، زیرا شهر غزنه در قرن پنجم هجری یکی از مراکز مهم فرهنگی بوده است و فنون و صنایع دران شهر رونق خوبی داشته و پیشرفت مهمی نموده و طرز فنی مخصوصی در انجا بوجود آمده که از حیث تکامل و موضوع تزینات خیلی قابل توجه شده است. (۳)

مآخذ:

- (۱) سروی آرت ایران ج ۶ ص ۱۴۶۲.
- (۲) صنعت اسلامی از جی میگیون ج ۲ ص ۲۹۳ شکل ۱۱۳.
- (۳) صنایع ایران ص ۲۷۸.